

چالش ها و ضعف های اجرایی تصمیمات دیوان کیفری بین المللی

آناهیتا سیفی^۱

یاسر نریمانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

چکیده

دیوان کیفری بین المللی به عنوان مرجع فراملی اجرای مقررات حقوق بین الملل کیفری، دارای جایگاه محوری در حرکت به سوی عدالت کیفری می باشد. در عین حال به دلیل فقدان قدرت اجرایی این دادگاه، فعالیت های قضایی این مرجع، فاقد ضمانت اجرا بوده و به همین دلیل نیز همکاری دولت ها با دادگاه مزبور اهمیت حیاتی داشته است، به طوری که میزان موفقیت این دادگاه، بستگی کامل به نحوه همکاری بین المللی دولت ها و نهادهای بین المللی از جمله شورای امنیت با این نهاد بین المللی می باشد. امری که در شماری از موارد با منافع و مصالح سیاسی این کشورها و نهادها در تعارض می افتد و به دشواری پیش می رود و چالش هایی را برای دیوان در اجرا بوجود می آورد.

با این اوصاف و با توجه به اینکه تقریباً یک دهه از عمر دیوان کیفری بین المللی گذشته، در این مقاله تلاش خواهد شد تا چالش ها و ضعف های اجرایی پیش روی این دیوان مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین المللی، شورای امنیت، چالش های اجرایی، همکاری بین المللی

۱- دکتری حقوق بین الملل، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی *Email: a.seifi@atu.ac.ir*

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی



مقدمه

لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۱ آوریل ۲۰۰۲ و اجرای مقررات آن، یکی از چالش‌های اساسی دیوان و دولت‌ها در عملی ساختن حقوق بین‌الملل کیفری است. تا پیش از تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی، توجه عمومی جهانیان بر مسائلی همچون اهمیت تاسیس دیوان، اهمیت اجرای عدالت کیفری بین‌المللی و زمان لازم الاجرا شدن اساسنامه رم متمرکز بود. اما پس از تشکیل دیوان، به طور طبیعی توجه به موضوعات عملی همچون این که آیا دیوان می‌تواند به خوبی کارکرده و مأموریت تاریخی‌اش را ایفاء کند و آیا دیوان برای اجرای تصمیمات از ضمانت اجرایی کافی برخوردار است و آیا می‌تواند جامعه بین‌المللی را برخوردار از ضمانت اجرا کند معطوف شد. دیوان کیفری بین‌المللی برای تضمین ضمانت اجرا در جامعه بین‌المللی و اجرای تصمیمات و آراش باید به گونه‌ای موثر عمل کند، اما یک سری شرایط اساسی باید وجود داشته باشد. جدا از پرسنل متخصص و استقلال دیوان از نهادهای سیاسی، عامل فوق‌العاده مهم، همکاری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است. این همکاری تنها مربوط به دولت‌های عضو اساسنامه نیست بلکه شامل دول غیر عضو هم می‌شود اما همین ارتباط و همکاری‌ها برای دیوان در اجرا چالش‌های ایجاد می‌کند که در این مقاله سعی می‌شود اجرایی شدن تصمیمات و آرای دیوان کیفری بین‌المللی و چالش‌های و ضعف‌های اجرایی دیوان در ارتباط با دولت‌ها اعم از دولت‌های عضو و غیر عضو و همچنین در ارتباط با شورای امنیت سازمان ملل بررسی شود.

۱- اجرایی شدن تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی طبق اساسنامه

با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی انتظارات جامعه جهانی از عملکرد این دیوان بیشتر شده است. اساسنامه دیوان مزبور نیز رسالت بزرگی را به عهده آن قرار داده است. این دیوان بعد از شروع به کار با چالش‌های بزرگی مواجه است که مهمترین آنها اجرای تصمیماتش می‌باشد.

تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی در چند جنبه و مرحله نیاز به اجرا دارد:

۱- مرحله تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات؛

۲- مرحله بازجویی از متهم یا شهود یا مطلعین؛

۳- مرحله اجرای حکم محکومیت به حبس؛

۴- مرحله اجرای حکم محکومیت در مورد اموال

اجرای تصمیمات و احکام دیوان کیفری بین‌المللی، مرحله نهایی و کلیدی در فرایند رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی محسوب می‌گردد. شیوه‌های اجرای تصمیمات و احکام حتی در نظام‌های قضایی داخلی نیز



بعضا مشکل آفرین و غیرکارآمد بوده است. در سطح بین‌المللی این موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار است تجربه تاریخی نشان داده است که حتی در بعضی از موارد علیرغم محکومیت بعضی از حاکمان به عنوان جنگ افروز به دلیل استنکاف بعضی از دولت‌ها در همکاری در اجرای احکام عملاً تصمیمات اتخاذ شده بی اعتبار می گردیدند.

مانع اصلی شکل گیری این گونه از نهادهای کیفری بین‌المللی را باید در فقدان مکانیسمی برای اجرا تصمیمات آنها دانست. در واقع بدون مکانیسم موثر برای اجرای تصمیمات قضایی، این چنین تصمیماتی به توصیه‌های اخلاقی تبدیل خواهد شد (پاکدامن، ۱۳۷۹: ۴۵۵).

مجازات‌های مقرر در دیوان کیفری بین‌المللی شامل مجازات‌های سالب آزادی و مالی است. نحوه اجرای این مجازات‌ها، فکر بسیاری از حقوقدانان را به خود مشغول کرده است. چرا که دیوان کیفری بین‌المللی فاقد ابزار و امکانات اجرایی لازم است بنابراین برای اجرای مجازات‌ها نیازمند به همکاری کشورهاست. نحوه همکاری کشورها با دیوان در اجرای مجازات‌های سالب آزادی و مالی از مسائل مهمی محسوب می‌شود که بر روند ضمانت اجرا بر این نهاد قضایی دایمی تاثیر به سزایی دارد.

به موجب فصل دهم اساسنامه، مجازات زندان در سرزمین دولتی تحمل می‌شود که دیوان بر اساس فهرستی از دولت‌های که آمادگی خود را برای قبول اعلام کرده‌اند، آن دولت را معین می‌نماید. بنابراین دولتی که برای پذیرش محکومان دیوان، جهت تحمل کیفر در سرزمین خود اعلام آمادگی کند، می‌تواند شرایطی را برای این امر در نظر گرفته و بر اساس مقررات اساسنامه پیش بینی نماید.^۱

دولتی که از سوی دیوان جهت پذیرش محکوم برای تحمل کیفر تعیین شده است، فوراً باید مراتب قبول یا عدم قبول خود را به اطلاع دیوان برساند (قسمت ج ماده ۱۰۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی).

با این وجود، در هیچ مورد رضایت شخص محکوم علیه در گزینش یک دولت خاص برای تحمل دوران محکومیت لازم نیست (توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۲۶۷). هر چند که مطابق بند ۳ ماده اخیر الذکر، دیوان در اجرای حکم مجازات زندان باید به توزیع عادلانه محکومین، مقررات حقوق بین‌الملل درباره رفتار با زندانیان، تابعیت و دیدگاه‌های محکوم علیه و همه عوامل مربوط به احوال جرم توجه داشته باشد. شاید این سوال متبادر به ذهن شود که اگر هیچ دولتی به شرح مذکور در بند ۱ ماده ۱۰۳ آمادگی خود را برای پذیرش زندانی اعلام ننماید، در این صورت چه دولتی مکلف به نگهداری محکوم علیه است؟ پاسخ این است که مجازات زندان در ندامتگاه دولت میزبان مطابق با شرایط مربوط به مقرر دیوان اجرا می‌شود.



اساسنامه دیوان این اختیار را به محکوم علیه داده است که در هر زمانی که مقتضی بداند، بتواند از دیوان موصوف درخواست کند که وی را به دولتی غیر از دولتی که جهت اجرای حکم تعیین شده است منتقل کند (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بند ۲ ماده ۱۰۴). دولتی که اجرای مجازات را بر عهده دارد، نباید مطابق بند ۲ ماده ۱۰۵ اساسنامه مانع از تنظیم و ارائه چنین درخواستی به دیوان شود.

اعمال کیفیات مخففه نیز از جمله اختیارات دیوان است که می‌تواند در طول دوران محکومیت به شرح مندرج در بند ۳ ماده ۱۱۰ اساسنامه مورد استفاده قرار گیرد.^۲ بنابراین اگر محکوم علیه از بدو فرآیند کیفری مستمراً اراده خود را برای همکاری با دیوان در انجام تحقیق و تعقیب آشکار کند و طوعاً نسبت به اجرای تصمیمات و دستورات اقدام، و اموالی را که موضوع رای مربوط به مصادره است، تسلیم و جرمه یا خسارت مقرر شده را بپردازد ممکن است از تخفیف مجازات توسط دیوان بر اساس بند ۴ ماده ۱۱۰ بهره مند شود.

در خصوص پرداخت جزای نقدی و اقدامات مربوط به مصادره اموال به موجب اساسنامه دیوان، دولت‌های عضو باید کیفی‌های مالی و مصادره اموالی را که دیوان به موجب فصل هفتم مقرر کرده به موقع اجرا گذارند. اما تأکید اساسنامه بر این نکته که مصادره اموال و اعمال ضمانت اجراهای مالی نباید به حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت ضرری وارد کند، مبین اقدامات مثبت و مستحسن تدوین کنندگان اساسنامه است که با احتیاط و دقت نسبت به وضع ماده ۱۰۹ اقدام کرده‌اند. به هر حال اجرای این مجازات مطابق با رویه‌ای است که قانون داخلی (دولت اجرا کننده) تعیین می‌کند. حال اگر یکی از دولت‌های عضو توانایی اجرای حکم دیوان را دایر بر مصادره اموال نداشته باشد باید مساعی جمیله خویش را مبذول و اقداماتی را جهت حفظ ارزش محصولات، اموال یا دارایی‌هایی که دیوان دستور مصادره آنها را داده، انجام دهد (سوی. ای، ۱۹۹۹: ۱۸۱).

۲: همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای تصمیمات

فصل نهم اساسنامه که موضوع همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی است، هم برای دیوان و هم برای کشورهای عضو یا کشورهایی که در حال بررسی مسئله عضویت خویش هستند، اهمیت فراوانی دارد. در اهمیت جلب همکاری‌های بین‌المللی و معاضدت قضایی برای دیوان همین مقدار کافی است که بگوییم موفقیت و کارایی دیوان در گروه همکاری دولت‌هاست، زیرا دیوان خود از محل ارتکاب جرم که آثار و دلایل در آنجاست، فاصله دارد و این مکان در قلمرو حاکمیت کشوری است که بدون همکاری آن، دیوان نمی‌تواند به ادله و مدارک مثبت جرم دسترسی پیدا کند. دیوان فاقد نیروهای اجرایی مستقل از پلیس و



زندانبان و غیره است و در این موارد چشم امید به مساعدت کشورهای عضو دارد و اگر کشورها در اجرای تصمیمات (جلب و توقیف و تحویل متهم به مقر دیوان) همکاری لازم را بعمل نیاورند، نباید به موفقیت دیوان امیدوار بود.

موضوع همکاری دولت‌ها (و در برخی از موارد سازمان‌های بین‌المللی) با محاکم کیفری بین‌المللی به خصوص دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای تصمیمات و آرا دارای اهمیت بالایی است، این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که به دلیل نبود قدرت فراحاکمیتی در نظام بین‌الملل و اصالت حاکمیت دولت‌ها، در صورت نبود همکاری میان دولت‌ها و دیوان کیفری بین‌المللی، رسیدن به "عدالت کیفری" که بعنوان هدف نهایی حقوق بین‌الملل کیفری مطرح می‌باشد (دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) امری دور از دسترس خواهد بود.

دیوان کیفری بین‌الملل با محاکم ملی و داخلی تفاوت‌هایی دارد، نظیر اینکه نه دارای پلیس تحت صلاحیت خویش است و نه نیروهای مسلح ویژه‌ی خود را داراست. در عین آنکه بنظر می‌رسد دیوان بدلیل توانایی صدور کیفرخواست و تحت پیگرد قرار دادن مظنونان به ارتکاب جرایم بین‌المللی، بسیار قدرتمند است اما نمی‌تواند اقدام اجرایی همچون بازداشت متهمان دست‌زند.

دیوان در طی مراحل زیر متکی به همکاری دولت‌هاست:

۱- تحقیقات ۲- محاکمه ۳- اجرای احکام ۴- جمع‌آوری شواهد و دلایل ۵- بازداشت ۶- انتقال متهمان در حقیقت ضمانت اجرای تصمیمات و آرای دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی بر اساس همکاری دولت‌های عضو و غیر عضو که موافقتنامه‌ای خاص با دیوانه امضا رسانیده اند می‌باشد.

۱-۲: تعهد به همکاری با دیوان در اجرای تصمیمات

کشف جرم و انجام هرگونه تحقیقات برای احراز هویت مجرم و زیان دیدگان، جبران خسارت زیان دیدگان، صدور و اجرای حکم دیوان کیفری بین‌المللی مستلزم همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با این نهاد است. بخش ۹ اساسنامه رم با عنوان «همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی» دو گونه مهم همکاری‌ها را بیان می‌کند این همکاری‌ها شامل مراحل زیر است: همکاری در زمینه تحقیق و تعقیب جرایم و همکاری در زمینه دستگیری و بازداشت افراد و تحویل آن‌ها به این مرجع (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۲۰) بخش ۱۰ اساسنامه نیز با عنوان « اجرا » به همکاری‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی برای اجرای احکام و جریمه‌ها می‌پردازد که در قسمت بعدی به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲: تعهد به همکاری در مرحله تحقیقات مقدماتی و محلی



ماده ۸۶ اساسنامه دیوان ناظر بر همکاری دولت با دیوان در مرحله اولیه ورود دیوان به یک پرونده یعنی مرحله انجام تحقیقات و جمع‌آوری اسناد می‌باشد. این ماده اعلام می‌دارد: «مطابق مقررات این اساسنامه، دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که به صلاحیت دیوان مربوط است، کمال همکاری را با دیوان بعمل خواهند آورد.» نحوه عبارت پردازی ماده ۸۶ منعکس‌کننده «قاعده حداکثر همکاری‌های ممکن»^۳ که در روابط بین دولت‌ها مرسوم است، می‌باشد.^۴

ماده ۸۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه همکاری تعهد بدون شرطی را به دولت‌ها تحمیل نمی‌نماید بلکه پذیرش در خواست همکاری دیوان از سوی دولت‌ها، منوط به وجود شرایطی است از جمله:

۱- شرط عدم تعارض این همکاری با مقررات ملی کشورها (بند ۴ ماده ۹۳ و بند اول ماده ۹۹)

۲- شرط عدم ایجاد خلل در رسیدگی‌های ملی به پرونده (ماده ۹۴)

۳- نبود ایراد یا اعتراضی نسبت به مساله قابلیت پذیرش موضوع نزد دیوان (ماده ۹۵) و عدم تعارض این

درخواست با تعهدات دولت مورد درخواست با دولت ثالث (۹۸).

به همین دلیل است که در ابتدای ماده ۸۶ اساسنامه عبارت «مطابق با مفاد این اساسنامه»^۵ را بعنوان پیش شرط تمامی اشکال همکاری با دیوان ذکر گردیده است و لازم است این تعهد عمومی با توجه به «تعهدات خاص»^۶ موجود در اساسنامه وارد مرحله عملیاتی شود (دلخوش، ۱۳۹۰: ۳۰۵).

از دیگر موارد تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان در اجرای تصمیمات، تحقیق از محل ارتکاب جرم، محل اقامت متهم یا قربانیان و شهود می‌باشد. دسترسی داشتن مستقیم به محل، عامل مهمی در یک تحقیق کامل کیفری می‌باشد. ارتباط مستقیم دیوان با محل ضمانتی است بر اینکه تحقیقات دیوان طبق استانداردهای بین‌المللی صورت پذیرفته است.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر اهمیت بازرسی‌ها و تحقیقات محلی جهت بازرسی‌های موثر و منصفانه دیوان، دامنه موضوع «تحقیقات محلی» بسیار محدود بوده که این امر به نوبه خود چالش‌هایی برای این نهاد بین‌المللی در اجرای تصمیماتش بوجود می‌آورد (تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، ۱۳۹۰: ۳۶۵).

بر اساس گزارش دفتر دادستانی دیوان (از ژوئن ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۶) که اخیراً منتشر شده است اولین مشکل و مساله در دیوان تحقیق و بررسی شدت جرایم ارتكابی بوده است بدین معنا که آیا عمل ارتكابی از چنان شدتی برخوردار است که بتوان آن را داخل در صلاحیت دیوان قرار داد. مساله دیگری که دادستانی با آن روبه‌روست در خصوص نحوه تحقیق در مورد جرایم ارتكاب یافته یا در حال ارتكاب است. در



مواردی سفر کردن به محل ارتکاب جنایت، دسترسی به شهود واقعی و یافتن مکانی امن برای بازجویی از شهود غیر ممکن می‌شود (محمود، ۱۳۸۸: ۹۲)

نبود دولت یا حاکمیتی در زمان جنگ برای درخواست همکاری در زمینه تحقیقات از مشکلات دیگری هستند که دادسرا در مرحله تحقیق با آن روبه روست. همه این موارد ایرادهای هستند که به دیوان کیفری بین‌المللی در مرحله تحقیق و تعقیب وارد است و اینکه دیوان کیفری بین‌المللی در همان مرحله ابتدایی تحقیقات با موانع و مشکلات جدی روبه روست می‌تواند یکی از ضعف‌های دیوان در تحقق عدالت کیفری در نظام بین‌الملل و به طریق اولی ضعف ضمانت اجرا در جامعه جهانی باشد.

۲-۱-۲: تعهد به همکاری در مرحله بازداشت و تحویل افراد به دیوان

دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند حضور شخص متهم نزد دادگاه را به سه صورت خواستار شود:

- صدور حکم جلب مطابق مواد ۸۹، ۵۷، و ۹۱ اساسنامه؛
- صدور حکم جلب موقت مطابق مواد (۵) ۵۸ و ۹۲ که این نوع جلب در موارد ضروری و فوری است که اسناد مورد نیاز هنوز در دسترس نیست؛
- صدور احضاریه طبق ماده (۷) ۵۸، زمانی که دادگاه مقدماتی اطمینان دارد که احضاریه برای حضور شخص کافی است؛

به محض اینکه حکم جلب و دستگیری توسط دادگاه مقدماتی صادر شد بحث همکاری‌ها در اجرای این حکم مطرح می‌شود و دیوان از کشورهای موردنظر می‌خواهد که حکم را طبق مقررات مربوطه انجام دهند (ماده (۵) ۵۸) و شخص مورد نظر را تحویل دیوان دهند. اساسنامه رم، تسلیم را در ماده (a) ۱۰۲ اینطور تعریف کرده است "تحویل یک شخص توسط یک دولت به دولت دیگر، آن طور که در معاهده، کنواسیون یا قانون ملی مقرر شده است" (پراست: ۲۹)؟

اساسنامه رم از دولت‌های عضو می‌خواهد که "ویژگی متمایز دیوان" را هنگام تصویب مقررات برای پروسه تحویل در نظر بگیرند. هم چنین می‌گوید: این مقررات نباید از آنچه که در درخواست‌های استرداد طبق موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین دولت‌ها اجرا می‌شود پر مسئولیت‌تر باشد و حتی تا جای ممکن کم مسئولیت‌تر نیز باشد (ماده (C) (۲) ۹۱).

اساسنامه با این مقررات دولت‌ها را به تعیین پروسه‌ای تا حد امکان ساده برای تحویل اشخاص به دیوان کیفری بین‌المللی و تمایز تحویل به دیوان کیفری بین‌المللی و پروسه‌های موجود در مورد استرداد بین دولت‌ها که اغلب با تاخیرات طولانی همراه است تشویق می‌کند (همان، ۳۰).



بنابراین حتی قواعدی مثل کفایت مدارک، مجرمیت مضاعف، عدم تحویل اتباع و موارد مشابه که در استرداد مورد توجه قرار می‌گیرد در مبحث تحویل وجود ندارد، قوانین اجرایی داخلی باید این موضوع را منعکس کنند و دولت‌های عضو باید یک رژیم تحویل مخصوص دیوان کیفری بین‌المللی را ایجاد کنند (اسلایتر، ۱۹۹۸: ۳۸۳)، یا آیین دادرسی استرداد موجود را (مثل کانادا) اصلاح کنند. مطابق ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دولت‌ها باید اجرای درخواست تحویل را به تأخیر نیندازند و هر چه سریع‌تر او را به دیوان تحویل دهند، اما تنها یک مورد وجود دارد که دولت‌ها باید اجرای درخواست تحویل را به تأخیر بیندازند، آن هم در صورتی است که شخص مورد درخواست، در سرزمین دولتی که از وی درخواست انتقال بعمل آمده تحت تعقیب بوده و یا در حال تحمل کیفر بدلیل ارتکاب جرمی غیر از آنچه که موضوع درخواست دیوان است، باشد در این حالت دولت مورد درخواست، برای ترتیب اثر دادن به درخواست تحویل، باید با دیوان مشورت نموده و بدین ترتیب تا حصول نتیجه این مشورت، تحویل مزبور به تأخیر می‌افتد (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بند ۲ ماده ۸۹).

۲-۲: تعهد به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای احکام

نظام حقوق بین‌الملل کیفری تاکنون از داشتن امکانات اجرایی مجازات تعیین شده توسط دیوان کیفری، محروم بوده و در عرصه بین‌المللی، مساله تاسیس « بازداشتگاه بین‌المللی » هنوز عینیت نیافته است. دیوان کیفری بین‌المللی امکانات حبس بسیار محدودی در لاهه دارد و در واقع برای اجرای احکام کاملاً به همکاری کشورها و امکانات داخلی آنها تکیه کرده است. هر نوع کمبود امکانات مطمئناً برای دیوان مشکلاتی ایجاد می‌کند. البته کشورهای عضو نیز باید ظرفیت‌های خود را در نظر بگیرند، پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی غالباً سیاسی بوده و فشارهای بیشتری را از جهات مختلف به کشور مربوط وارد می‌کنند (مالگروو، ۲۰۰۹: ۳۵). با توجه به اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دو نوع مجازات، « زندان » و « توقیف و مصادره اموال » (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۷۷) را پیش‌بینی کرده در مورد اجرای احکام دیوان کیفری بین‌المللی نیز، دارای دو بخش از مقررات مجزا می‌باشد. بخش اول مربوط به اجرای احکام شامل نظارت بر شرایط زندانی و نحوه اجرای مجازات حبس (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۱۰۶) و بخش دیگر مربوط به اجرای احکام در مورد توقیف یا مصادره اموال، دارایی، اقدامات گرامتی و وضعیت‌های مالی اشخاص زندانی می‌باشد (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۱۰۹).

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر مجازات ذکر شده در بالا جبران خسارت مادی، اعاده به وضع سابق و اعاده حیثیت را نیز پیش‌بینی کرده که از این لحاظ نسبت به اساسنامه دیوان کیفری یوگسلاوی



سابق و روندا پیشرفت قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌گردد (والین، ۱۳۸۵: ۴۴). دولت‌ها در همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه اجرای احکام کیفری دارای الزام حقوقی نبوده^۷ و دولت‌ها صرفاً بصورت داوطلبانه و براساس موافقتنامه همکاری جداگانه با این دیوان، تعهدات خاصی در این رابطه می‌توانند بر عهده بگیرند. به منظور اجرای بهتر احکام دیوان کیفری بین‌المللی با همکاری دولت‌ها، ماده ۱۱۳ آیین دادرسی دیوان، مقررات مربوط به فعالیت‌های واحد ویژه‌ای تحت عنوان « واحد اجراییات^۸ » را پیش بینی نموده است که این واحد اقدام به ارزیابی و انتخاب دولت اجرا کننده نموده و سپس براساس موافقتنامه نمونه در مورد اجرای احکام دیوان^۹ با دولت‌های انتخاب شده جهت اجرای احکام به مذاکره و نهایتاً تهیه موافقتنامه می‌پردازد. بطور کلی در مرحله اجرای حکم زندان توسط دولت مجری، شیوه‌های اجرای حکم براساس مقررات ملی و تحت نظر دیوان انجام می‌پذیرد.

بدین ترتیب دولت مجری، دیوان را در جریان اوضاع و احوال موجود قرار خواهد داد و در صورت عدم رضایت بخش بودن عملکرد دولت و یا وجود نواقصی در مقررات ملی، دیوان می‌تواند در هر زمان تصمیم به تغییر دولت مجری و انتقال زندانی از آن کشور نماید (ماده (۱) ۱۰۴).

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که در صورت تخلف دولت مجری مجازات از مقررات اجرای احکام و رفتار با زندانیان مسئولیت این تخلف به عهده کدام طرف است، دیوان یا دولت مجری؟

براساس پیش نویس طرح مسئولیت بین‌المللی، دولت‌ها تنها در برابر نقض تعهد متناسب به خود، واجد مسئولیت بین‌المللی بوده و تنها زمانی مسئولیت تخلف یک دولت بر عهده‌ی دولت دیگر فرض می‌گردد که دولت خاطی، « تابع ارادی یا تحت کنترل » دولت نخست باشد (پیش نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ۱۹۸۰، ماده (۱) ۲۸). از سوی دیگر ماده ۱۰۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی « اجرای کیفر زندان را تابع قواعد داخلی دولت مجری و تحت نظارت دیوان کیفری بین‌المللی » دانسته است.

بدین ترتیب با توجه به اینکه دولت‌ها بر اساس مقررات داخلی خود اقدام به اجرای مجازات‌های دیوان نموده و نمی‌توان آن‌ها را بعنوان « عامل و تابع » دیوان‌ها تلقی نمود، بنابراین دولت مجری، خود مسئولیت حقوقی متمایز از مسئولیت دیوان کیفری بین‌المللی را در مورد اعمال غیر قانونی خود دارا می‌باشد. از سوی دیگر با عنایت به اینکه دیوان کیفری بین‌المللی موظف به نظارت و درخواست گزارش‌های منظم از سوی دولت مجری بوده و در هر زمان به محض مشاهده تخلف یا نقصان در مقررات ملی یا رفتار مقامات آن با



محکوم علیه، حق تغییر محل اجرای حکم را دارد، مسئولیت دولت خاطی به معنای بری الذمه بودن دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۰: ۳۷۴).

۳- چالش‌های دیوان در اجرا با مداخله شورای امنیت

دیوان کیفری بین‌المللی برای اجرای تصمیمات و احکام خود و برای به انجام رساندن رسالت خود یعنی تحقق عدالت کیفری بین‌المللی و به تبع آن صلح و امنیت بین‌المللی در جامعه جهانی، ناگزیر از ارتباط با دیگر نهادهای بین‌المللی است. یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی که دیوان با آن مرتبط است شورای امنیت سازمان ملل متحد است که نقش اساسی و مهم در اجرای قرارهای صادره توسط دیوان دارد و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به نحوه ارتباط بین این دو نهاد پرداخته است. ارجاع وضعیت (ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) از سوی شورای امنیت به دیوان و نیز تعلیق تعقیب یا تحقیق (ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) پرونده‌های موجود در دیوان نیز از دیگر موارد ارتباط این دو نهاد بین‌المللی با یکدیگر است. گرچه بطور کلی «ارتباط بین شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی نشان حمایت جامعه بین‌المللی از دیوان تلقی شده و مظهر اقتدار و مشروعیت آن است» (میرزایی ینگجه، ۱۳۷۹: ۲۶۰)، اما حدود این شیوه ارتباط مورد بحث بوده و از همان ابتدا موجبات نگرانی حقوقدانان را فراهم نموده بود. مهم‌ترین چالشی که شورای امنیت برای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد نموده و یا در آینده و در رسیدگی‌های بعدی احتمال ایجاد آن می‌رود، سیاسی کردن رسیدگی‌های قضایی دیوان است. در حالیکه نهاد قضایی جهانی باید بالاترین معیارها و استانداردهای دادرسی منصفانه و عادلانه و غیر سیاسی را داشته باشد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان حق و تو و نقش دادستانی شورای امنیت را با محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه سازگار نمود. پذیرش نقش برجسته برای شورای امنیت در برابر دیوان سبب نقض ماهیت اصلی اساسنامه شده و شدیداً اثربخشی، اعتبار و مشروعیت آن را دچار آسیب جدی نموده است (جعفری، ۱۳۹۰: ۴۴۵). اما آنچه مسلم است اینکه رودرویی و تقابل این دو نهاد نه تنها منجر به تضعیف ضمانت اجرا در جامعه بین‌المللی می‌گردد، بلکه قطعاً سبب دلسردی و ناامیدی جهانیان از ارگان‌های قضایی بین‌المللی شده و سبب دوری آن‌ها از انجام تکالیف مقرر می‌شود. زیرا به جای اینکه نیرو و انرژی سازنده هر دو نهاد در جهت تقویت بهتر اجرا شدن تصمیمات صادره از این نهاد قضایی بین‌المللی و مقابله با جرایم بین‌المللی و ارتقا صلح و امنیت بین‌المللی استعمال گردد، انرژی و توان آن صرف چگونگی مبارزه با یکدیگر خواهد شد.



مستند این حرف یعنی سیاسی کردن پرونده‌ها توسط شورای امنیت و استفاده از ماده ۱۶ اساسنامه، تصویب قطعنامه ۱۴۲۲ در مورد استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در بوسنی و هرزگوین بود. این قطعنامه‌ها به پیشنهاد امریکا و با تهدید استفاده از حق وتو در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۲ به تصویب رسید. طبق بند یک این قطعنامه دیوان کیفری بین‌المللی به مدت ۱۲ ماه از تاریخ اول ژوئیه ۲۰۰۲ حق رسیدگی یا شروع به رسیدگی به ارتکاب فعل یا ترک فعلی را که نیروهای نظامی یک کشور غیر عضو اساسنامه که حاضر در میان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد بوده یا هستند، ندارد. بند دوم این قطعنامه امکان تمدید آن را در همان شرایط پیش‌بینی می‌کند و بند سوم هم از دولت‌ها می‌خواهد اقدامی مغایر با بند یک این قطعنامه انجام ندهند.

با توجه به پایان اعتبار این قطعنامه، امریکا پیشنهاد قطعنامه دیگری را ارائه نمود. این قطعنامه پیشنهادی، به رغم بحث علنی و اظهار نظر هفده مخالف از کشورهای مختلف، سرانجام با ۱۲ رای مثبت و سه رای ممتنع در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳ به تصویب رسید. این قطعنامه به شماره ۱۴۸۷ از اول ژوئیه ۲۰۰۳ به مدت یکسال لازم‌الاجرا خواهد بود. از نظر محتوی این قطعنامه مشابه قطعنامه ۱۴۲۲ می‌باشد.

بنظر می‌رسد تصویب قطعنامه ۱۴۸۷ و ادامه این روند (تصویب سالانه یک قطعنامه در این مورد) با روح اساسنامه دیوان و حتی با ماده ۱۶ آن در تعارض باشد. ماده ۱۶ پیش‌بینی نموده است که امکان تمدید چنین قطعنامه‌هایی فقط در صورت وجود "همان شرایط" که منجر به تصویب قطعنامه قبلی شده است امکان پذیر می‌باشد. بعبارت دیگر صرف استناد به ماده ۱۶ و تصویب قطعنامه‌های مکرر برای جلوگیری از اعمال صلاحیت در مورد جنایات جنگی ارتكابی توسط نظامیان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل تبعه کشورهای غیر عضو اساسنامه در واقع به نوعی سواستفاده از حق پیش‌بینی شده در این ماده است.

در هر صورت دیوان کیفری بین‌المللی با این مقرر (ماده ۱۶ اساسنامه خود) تحت انقیاد شورای امنیت قرار دارد، زیرا در هر لحظه یک تصمیم سیاسی، یعنی تصمیم شورای امنیت می‌تواند مانع کار دیوان شود (بردون، ۲۰۰۰: ۹۳).

۴- ضعف‌های اجرایی مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

در ارتباط با ماهیت وجودی و کارکردهای مناسب یا نامناسب دیوان کیفری بین‌المللی معایب و ضعف‌های متفاوتی از جهت اجرا به این دیوان مطرح شده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۴-۱ نداشتن بازوی اجرایی مستقل و اتکا به همکاری دول



با ارجاع اولین پرونده‌ها از جانب کشورهای اوگاندا و کنگو، مشکلات اجرایی در عالم واقعیت خود را نشان داده و حامیان تفکر اساسنامه به عینه شاهد ضعف سیستم اجرایی در جمع‌آوری دلایل و مدارک و بازداشت و سایر اقدامات تعقیبی و تحقیقی گردیدند.

دیوان کیفری بین‌المللی نیازمند ابزارهای اجرایی و پلیسی متبحر و مجربی است تا در اثبات و کشف حقیقت و واقعیت اعمال ارتكابی ممنوعه بتواند با دقت، سرعت و حتمیت عمل نماید. در سطح بین‌المللی با توجه به فقدان نیروی پلیسی و اجرایی مشخص و همچنین با عنایت به عدم امکان انجام تحقیق و بازرسی در سرزمین دول حاکمیت دار، بدون اخذ رضایت یا مجوز این دولت‌ها، دیوان کیفری بین‌المللی فاقد بازوی اجرایی مستقل و قدرتمندی است تا بدون توجه به مخالفت یا موافقت دولت‌های عضو توانایی تعقیب و تحقیق مستقل را داشته باشد. از همین رو شدیداً به حسن نیت دولت‌ها در ارائه همکاری مثبت نیازمند بوده و بدون چنین همکاری امکان اجرای احکام و فرامین آن فراهم نخواهد شد. لذا چالش مذکور بعنوان پاشنه آشیل و نقطه ضعف اصلی دیوان محسوب می‌گردد (جعفری، ۱۳۹۰: ۶۶).

اهمیت اجرای قوی و موثر به اندازه‌ای است که در صورت ضعف آن، کل سیستم با تمام اهداف والای آن زیر سوال رفته و عدالت بین‌المللی هیچ‌گاه محقق نخواهد شد. دیوان کیفری بین‌المللی بدلیل نداشتن قوه اجرایی و قدرت برتر و اعمال ضمانت اجرایی موثر در برابر نافرمانی دول عضو فاقد کارایی بوده و قدرت حصول به اهداف را نخواهد داشت و همین ضعف یکی از دلایل اصلی بی‌اثر شدن اثر اربعایی دیوان می‌باشد.

۴-۲ سکوت اساسنامه در خصوص ضمانت اجرای عدم همکاری با دیوان و ارجاع به منشور ملل

متحد

دیوان کیفری بین‌المللی در راستای تحقق عدالت کیفری به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از هیچ تلاشی در چارچوب وظایف محوله فروگذاری نمی‌کند. اگرچه برخی معتقدند که اقدامات دیوان کیفری در راستای عدالت کیفری با صلح و امنیت بین‌المللی منافات دارد در عین حال که بعد از ارجاع پرونده به دیوان کیفری هیچ راهکار حقوقی برای ممانعت از رسیدگی و صدور حکم در دیوان کیفری وجود ندارد؛ لیکن در همین حال اساسنامه دیوان راه توسل به شیوه‌های غیر حقوقی و تعلق و توقف موقت رسیدگی در پرونده‌های ارجاعی از طرف شورای امنیت به دیوان را بازگذاشته است (صالحی، ۱۳۹۶: ۹۶).

فصل نهم اساسنامه که موضوع همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی است، هم برای دیوان و هم برای کشورهای عضو یا کشورهایی که در حال بررسی مسئله عضویت خویش هستند، اهمیت فراوانی دارد. در



اهمیت جلب همکاری‌های بین‌المللی و معاضدت قضایی برای دیوان همین مقدار کافی است که بگوییم موفقیت و کارایی دیوان در گرو همکاری دولت‌هاست، زیرا دیوان خود از محل ارتکاب جرم که آثار و دلایل در آنجاست، فاصله دارد و این مکان در قلمرو حاکمیت کشوری است که بدون همکاری آن، دیوان نمی‌تواند به ادله و مدارک مثبت جرم دسترسی پیدا کند. دیوان فاقد نیروهای اجرایی مستقل از پلیس و زندانبان و غیره است و در این موارد چشم امید به مساعدت کشورهای عضو دارد و اگر کشورها در اجرای تصمیمات (جلب و توقیف و تحویل متهم به مقر دیوان) همکاری لازم را بعمل نیاورند، نباید به موفقیت دیوان امیدوار بود. بنابراین دولت‌ها باید در پی پیشگیری از جنایات شنیع بین‌المللی و پایان دادن به بلا کیفر ماندن مرتکبین آن‌ها و تحقق عدالت کیفری بین‌المللی با دیوان صادقانه همکاری کنند.

مطابق بند یک ماده ۷۸ اساسنامه «دیوان در مقامی است که می‌تواند از دولت‌های عضو درخواست همکاری نماید...» و برابر ماده ۸۷ دولت‌های عضو مکلفند در انجام تحقیق و تعقیب جرایم مربوط به صلاحیت دیوان کمال همکاری را بعمل آورند. سوالی که بلافاصله مطرح می‌گردد این است که ضمانت اجرای عدم همکاری چیست؟ بند ۷ ماده ۸۷ به سوال مذکور چنین پاسخ می‌دهد: «هرگاه یکی از دولت‌های عضو برخلاف مقررات این اساسنامه به درخواست همکاری دیوان ترتیب اثر ندهد و بدین ترتیب دیوان را از اجرای وظایف و اختیاراتی که به موجب این اساسنامه به عهده دارد، بازدارد، دیوان می‌تواند مساله را در مجمع دولت‌های عضو یا در مواردی که شورای امنیت به دیوان مراجعه کرده باشد نزد شورای مزبور مطرح نماید.»

همین ضمانت اجرا برای دول غیر عضوی که با وجود عدم عضویت در اساسنامه، توافقنامه همکاری با دیوان امضا کرده و از همکاری با دیوان در چارچوب توافقنامه دو جانبه امتناع ورزد، پیش‌بینی شده است (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۳۶).

اساسنامه در مورد اینکه مجمع عمومی دول عضو یا شورای امنیت در مورد عدم همکاری دولت‌ها چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد، ساکت است، آیین دادرسی و ادله دیوان نیز چیزی در این باره پیش‌بینی نکرده است لذا بنظر می‌رسد که مجمع دول عضو از اختیارات تصمیم‌گیری مهمی درباره عدم همکاری دولت‌ها برخوردار نمی‌باشد. اما در مورد شورای امنیت قضیه از قرار دیگری است. می‌دانیم که شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد وضعیتی را به دیوان ارجاع می‌دهد (ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) بنابراین در صورت عدم همکاری یک دولت، شورا می‌تواند از ضمانت اجراهای مقرر در فصل هفتم منشور استفاده کند. این ضمانت اجراها، ممکن است از انجام توصیه‌های لازم و اتخاذ اقدامات غیر نظامی از



قبیل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی فراتر رفته و به استفاده از نیروهای مسلح ملل متحد علیه آن دولت بینجامد (منشور ملل متحد، مواد ۳۹ - ۴۲).

بنابراین اساسنامه دیوان ضمانت اجرایی بر عدم همکاری دولت‌ها در اجرای تصمیمات و آرا پیش بینی نکرده و سکوت اساسنامه در این باره و ارجاع اعمال این نوع ضمانت اجرا از طرف شورای امنیت طبق مواد منشور ملل متحد یکی از ایرادات وارده بر **زردخانه** کیفری بین‌المللی و ضعف ضمانت اجرا در دیوان محسوب می‌شود.

۵: محدودیت‌های اجرایی تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی

ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در جامعه جهانی نقطه عطفی در جهانی شدن معیارها و مبانی حقوق بشری تلقی می‌شود، اما این نهاد قضایی بین‌المللی در مرحله اجرا با مشکلاتی مواجه است که آن را آماج برخی از انتقادهای کرده است.

دیوان کیفری بین‌المللی اسفند ماه سال ۱۳۹۰ بالاخره اولین محاکمه خود علیه یکی از ناقضان حقوق بشر را به پایان برد و طی آن توماس لوبانگو دایلو، جنگ سالار گنگو را به اتهام سربرازگیری و اعزام کودکان سربراز به درگیری‌هایی که ۶۰ هزار کشته برجای گذاشت، به ۱۴ سال حبس محکوم کرد.

اما پیش از صدور این حکم هم نام دیوان در سال‌های اخیر اغلب بر سر زبان‌ها افتاده است. حکم دیوان درباره لزوم تعقیب و دستگیری عمرالبشیر، زمامدار سودان، بدلیل جنایت در منطقه دافور از جمله دلایل مطرح شدن نام دیوان و بحث بر سر نحوه اجرای این تصمیمات و ضمانت اجرا در این نهاد بوده است. دیوان کیفری بین‌المللی فاقد امکانات مستقل برای تعقیب و پیگیری و احیانا دستگیری متهمان است و موفقیتش در این زمینه‌ها بیش از هر چیز به اراده و تمایل کشورهای عضو بستگی دارد، امری که در شماری از موارد با منافع و مصالح سیاسی این کشورها در تعارض می‌افتد و به دشواری پیش می‌رود. همین که عمرالبشیر، همچنان زمامدار سودان است و بدون نگرانی از دستگیر شدن به بسیاری از کشورهای دنیا سفر می‌کند نشانه‌ای از واقعیت یاد شده است. پس از صدور این قرارها، عمرالبشیر به کشورهای چاد، مالاوی، کنیا، کنگو، اوگاندا، جیبوتی، نیجریه و آفریقای جنوبی از دول عضو دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای کویت، اتیوپی، قطر، عربستان سعودی، ایران، مصر، موریتانی، چین، الجزایر، هند و اندونزی از دول غیرعضو دیوان سفرکرد و علی‌رغم اطلاع و تقاضای قبلی دیوان به تعدادی از آن دولت‌ها، هیچ کدام با دیوان بازداشت البشیر همکاری نکردند. به عنوان مثال، شعبه دوم مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در ۲۴ و ۲۵



مارس ۲۰۱۴ از دولت‌های چاد (دولت عضو اساسنامه) و کویت (دولت غیرعضو) درخواست نمود، در صورت ورود عمرالبشیر به قلمرو آن‌ها وی را بازداشت و به دیوان تحویل دهند. پیشتر نیز دیوان از سه دولت چاد، مالاوی و نیجریه (از اعضای اساسنامه) و اریتره، عربستان سعودی و ایالات متحده (دولت‌های غیرعضو) درخواست کرده بود، در صورت حضور عمرالبشیر در سرزمین آن‌ها، قرار بازداشت دیوان را اجرانمایند، اما هیچ یک از سه دولت عضو با دیوان همکاری نکردند و در مورد چهارم نیز، البشیر از سفر به ایالات متحده برای شرکت در نشست سالیانه مجمع عمومی ملل متحد خودداری کرد. دادستان دیوان در واکنش به عدم توجه شورای امنیت به گزارشات دیوان مبنی بر عدم همکاری دولت‌ها در اجرای قرار بازداشت البشیر، در دسامبر ۲۰۱۴ تصمیم گرفت که ادامه تحقیقات در مورد قضیه دارفور را متوقف کند (امامیان، عزیزی، ۹۱، ۹۰، ۱۳۹۷). بدین ترتیب می‌بایست عملکرد کشورهای عضو و غیر عضو را بررسی نمود که آیا کشورهای عضو یا غیر عضو اساسنامه دیوان تعهدی بر جلب و تحویل عمرالبشیر به دیوان داشتند و آیا اساساً مجاز به انجام این کار می‌باشند. در این رابطه با سه دسته از کشورها مواجه هستیم.

عملکرد کشور سودان

سودان بعنوان کشور متبوع و قلمرو سرزمینی عمرالبشیر است، همان‌طور که بیان شد شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۹۳ بیان داشته است که دولت سودان می‌بایست با دیوان همکاری کامل نموده و هر گونه مساعدتی را در جهت تحقیق یا تعقیب بنا بر درخواست دادستان یا شعبه به دیوان مبذول دارد. بدین ترتیب دولت سودان دارای تعهد صریح برای همکاری با دیوان می‌باشد که این تعهد شامل جلب و تحویل عمرالبشیر نیز خواهد بود اما بسیار غیر محتمل است که سودان گامی مثبت در جهت تبعیت از این تقاضا بردارد و با دیوان همکاری کند. چرا که سودان حتی قرارهای جلب صادر شده در رابطه با احمد هارون و علی کوشیب را نیز اجرا نکرده و بارها بیان داشته است که دادگاه‌های سودان دارای صلاحیت در رابطه با اتباع خود بوده و سودان هیچ‌گاه اتباع خود را برای محاکمه، استرداد یا تحویل نمی‌دهد.^{۱۱} بنابراین غیر محتمل به نظر می‌رسید که سودان عمرالبشیر را جلب و تحویل دیوان دهد. علی‌الخصوص که مدعی بود مصونیت وی همچنان، به قدرت خود باقی می‌باشد.^{۱۱}

طبق بند ۷ ماده ۸۷ اساسنامه رم، دیوان می‌تواند در صورتی که وضعیتی از سوی شورای امنیت به آن ارجاع شده باشد و دولت مزبور که وضعیت آن به دیوان ارجاع شده است برخلاف مقررات اساسنامه از اجابت همکاری دیوان خودداری نماید، دیوان می‌تواند مساله را به شورای امنیت ارجاع دهد. بدین ترتیب



دادستان از رویه گزارش‌های معمول خود جهت متوجه ساختن از عدم همکاری سودان استفاده کرد. اما پاسخ شورای امنیت تنها تاکید بر تعهد جهت همکاری با دیوان طبق قطعنامه ۱۵۹۳ بود که آن را هم در یک بند غیر الزام آور بیان کرد. شعبه بیان نمود که در صورت عدم همکاری وی، حکم قضایی عدم همکاری را صادر و موضوع را به شورای امنیت ارجاع خواهد داد (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بند ۷ ماده ۸۷). همپنین به ماده ۱۰۳ منشور ارجاع داد و بیان کرد که تعهدات سودان طبق منشور ملل متحد بر سایر تعهدات بین‌المللی او دارای الویت است. چرا که ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد بیان می‌دارد که در صورت تناقض میان تعهدات اعضای ملل متحد و تعهدات آن‌ها طبق هر معاهده بین‌المللی دیگر، تعهدات اعضا به موجب منشور ملل متحد مافوق سایر تعهدات آن‌هاست و از آنجایی که برای سودان طبق قطعنامه ۱۵۹۳ تعهد صریحی برای همکاری وجود دارد این تعهد که به موجب فصل هفتم منشور ایجاد شده است بر سایر تعهدات بین‌المللی سودان تفوق داشته و لازم الاجراست (اسلایتر، ۲۰۰۸: ۸۷۱).

اما موضوع دیگری که به نظر احتمال آن بسیار کم است این می‌باشد که شورای امنیت اقدامات اجرایی را برای تامین جلب و تحویل عمرالبشیر اتخاذ کند. چرا که طبق رویه‌های گذشته، شورای امنیت این کار را در رابطه با قضایای مطروحه نزد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روندا انجام نداده و به احتمال زیاد در رابطه با سودان هم با در نظر گرفتن روند صلح و اعتراض به قرارهای صادر شده از جانب کشورهای عربی و افریقایی این کار را انجام نخواهد داد.^{۱۲}

بنابراین احتمال تحویل عمرالبشیر به دیوان کیفری بین‌المللی توسط دولت سودان بسیار بعید است زیرا عمرالبشیر پس از کودتای ۱۹۸۹ و انتخاب بعنوان رئیس جمهور سودان، از قدرت سیاسی زیادی در این کشور برخوردار گشته است، علاوه بر این وی دارای شرکای اقتصادی مهمی در سطح بین‌المللی است که تمایل چندانی به تحویل یا محاکمه وی ندارند. علاوه بر این عمرالبشیر می‌تواند با ادامه فشار بر نیروهای حافظ صلح در دارفور و مقابله با ورود کمک‌های بشردوستانه به منطقه، به عنوان برگ برنده‌ای در برابر اوضاع و احوال کنونی، در حفظ وضع موجود در سودان و رفع اثر از قرار جلب صادر شده، استفاده نماید (زمانی، ۱۳۹۰: ۳۷۲-۳۷۳).

عملکرد کشورهای عضو اساسنامه

دومین دسته از کشورها، دولت‌های عضو اساسنامه دیوان می‌باشند. زمانی که قرار جلب صادر شد دبیرخانه دیوان این قرار را به همراه درخواست همکاری برای تمامی کشورهای عضو اساسنامه ارسال نمود.



تمام کشورهای عضو دارای یک تعهد عام برای همکاری با دیوان هستند و زمانی که درخواست را دریافت می‌کنند دارای تعهد خاص برای جلب و تحویل اشخاص مورد نظر نیز می‌باشند.^{۱۳}

اگرچه حقوق بین‌الملل عرفی تصریح می‌کند که اگر کشور ریس دولتی را که هم‌چنان در راس کار است و از مصونیت برخوردار می‌باشد در قلمرو خود جلب کند حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. به علاوه بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه رم بیان می‌کند که دیوان نمی‌تواند درخواستی برای تحویل یا همکاری ارائه دهد که دولت مورد درخواست را مجبور کند که برخلاف تعهدات خود مطابق حقوق بین‌الملل در رابطه با مصونیت سیاسی یا دیپلماتیک اشخاص کشور ثالث عمل کند مگر آنکه دیوان بتواند نخست همکاری «دولت ثالث» را به منظور چشم‌پوشی از مصونیت جلب کند. بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه به نحوی است که قدرت و اختیار دیوان را برای درخواست همکاری کشورها در این زمینه محدود کرده و در واقع جهت اجتناب از تداخل تعهدات بین‌المللی دولت‌ها طراحی شده است.

ایرادی که در اینجا مطرح می‌شود مربوط به بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه و بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه است. ماده ۲۷ اساسنامه بیان می‌دارد که نه سمت رسمی و نه مصونیت‌های بین‌المللی متهمان تأثیری بر صلاحیت دیوان نخواهد داشت. برخلاف آن بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه، دیوان را از درخواست از یک کشور برای دستگیری یا تحویل تبعه کشور دیگر که منجر به نقض تعهدات کشور مورد نظر طبق حقوق بین‌الملل در رابطه با مصونیت سیاسی یا دیپلماتیک اتباع کشور ثالث، منع می‌نماید. بهترین دیدگاه برای حل تعارض میان مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه این خواهد بود که کشور ثالث در بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه بعنوان کشورهای غیر عضو دیوان تعبیر شود. طبق این تعبیر لغو مصونیت برای اجرای درخواست تحویل از جانب دیوان تنها در موردی لازم است که کشور عضو اساسنامه مطابق حقوق بین‌الملل متعهد به احترام و رعایت مصونیت سران کشورهای غیر عضو اساسنامه باشند (ویلیامز، شه ریف، ۲۰۰۹: ۸۹). در ارتباط میان کشور عضو مورد نظر و سایر کشورهای عضو چنین لغو مصونیتی لازم نیست چرا که کشورهای عضو اساسنامه مفاد بند ۲ ماده ۲۷ را به واسطه عضویت خود پذیرفتند که بنا بر آن هیچ مصونیت بین‌المللی نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت دیوان از جمله صدور قرار جلب علیه افراد برخوردار از مصونیت‌های بین‌المللی شود. اما این موضوع باید مدنظر قرار گیرد که بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه و بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه تنها در رابطه با مواردی هستند که مربوط به اعمال صلاحیت دیوان است. بنابراین چنین موضوعی تضمین‌کننده این مطلب است که مصونیت اشخاص طبق حقوق بین‌الملل میان کشورهای عضو تنها در صورتی توسط اساسنامه لغو می‌شود که کشور مورد نظر، نیاز دارد فرد را جهت همکاری با دیوان جلب و تحویل دهد، اما چنین لغو مصونیتی تنها در سطح عمودی



است (زمانی که در راستای تبعیت از درخواست دیوان باشد). و در سطح افقی (که در ارتباط میان کشورهای عضو اساسنامه است) چنین لغو مصونیتی متصور نیست (کله فینر، ۲۰۰۳: ۱۰۶-۱۰۳).

ماده ۹۷ اساسنامه بیان می‌دارد «هرگاه یکی از دولت‌های عضو درخواستی مطابق مقررات این اساسنامه دریافت کند و آن دولت در رابطه درخواست مذکور با مشکلاتی مواجه شود مانع اجرای درخواست شده یا آن را متوقف نماید، دولت مذکور باید بدون تاخیر برای حل مشکل با دیوان مشورت کند.» در پرونده عمرالبشیر این مشورت با دیوان صورت گرفت، اما شعبه مقدماتی دیوان در تحلیل خود تصمیم به نادیده انگاشتن ماده ۹۸ گرفت، چرا که شعبه مقدماتی درخواستی برای همکاری را مطرح می‌کند، در شرایطی که مصونیت همچنان مطرح است. تعارض شدید میان مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه بدین دلیل است که این دو ماده در دو کمیته مختلف تهیه پیش نویس اساسنامه، مطرح شده و بنظر می‌رسد هیچگونه توجهی برای ارتباط میان آنها اعمال نشده است.

اما در نهایت با توجه رویه اتخاذ شده توسط شعبه می‌توان اظهار داشت که به احتمال زیاد شعبه دیوان، ماده ۹۸ اساسنامه را در این رابطه غیر قابل اجرا خواهد دانست (همان). بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که مصونیت سران سودان (از جمله مصونیت رئیس جمهور سودان) طبق حقوق بین‌الملل و بعنوان نتیجه‌ای از اساسنامه و ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت بی اثر گردد.

عملکرد کشورهای غیر عضو

دسته سوم، کشورهای غیر عضو اساسنامه دیوان می‌باشند و اینکه آیا آن‌ها متعهد و مجاز به دستگیری عمرالبشیر هستند یا خیر؟ در رابطه با موضوع عمرالبشیر همان طور که بیان شد قرار جلب صادر و درخواست به همکاری برای تمامی کشورها از طرف دبیرخانه دیوان ارسال گردید. اما ارسال چنین درخواستی سوابقی مطرح می‌کند:

اینکه آیا کشورهای غیر عضو ملزم به همکاری با دیوان در این مورد هستند؟

اگر کشورهای غیر عضو ملزم به همکاری نباشند، آیا آن‌ها مجاز به دستگیری افراد هستند که طبق رویه

معمول طبق حقوق بین‌الملل دارای مصونیت می‌باشند؟

در خصوص سوال اول، کشورهای غیر عضو به طور معمول دارای هیچ تعهدی برای همکاری با دیوان

نیستند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک معاهده است و معاهدات هیچ تعهدی را به غیر اعضا و بدون

رضایت آن کشور تحمیل نمی‌کند. بنابراین هیچ موردی از اساسنامه دیوان نمی‌تواند به خودی خود تعهدی را



برای همکاری به کشورهای غیر عضو تحمیل نماید. مگر آنکه چنین کشورهایی خود صریحا تعهدات را بپذیرند. اما اگر دیوان در ارتباط با ارجاع یک وضعیت از سوی شورای امنیت عمل نماید، وضعیت چگونه خواهد بود.

ارجاع وضعیت به دیوان از سوی شورای امنیت تنها طبق فصل ۷ منشور امکان پذیر است و زمانی که شورای امنیت بدین نحو عمل می‌کند می‌تواند تعهداتی را به تمامی کشورها تحمیل نماید. بعلاوه که چنین تعهداتی طبق ماده ۱۰۳ بر تمامی سایر تعهداتی که آن کشورها طبق سایر معاهدات بین‌المللی برعهده دارند برتری دارد (زمانی، ۱۳۹۰: ۳۷۰). گرچه طبق قطعنامه ۱۵۹۳ هیچ تعهد صریحی برای سایر کشورها در رابطه با همکاری با دیوانیان نشده است و تنها کاری که شورای امنیت انجام داد توصیه و اصرار به تمامی کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای همکاری با دیوان بود. اما تاکید و اصرار به همکاری با دیوان به معنای ایجاد تعهد برای انجام این کار نیست و چنین واژه‌ای (اصرار و تاکید) تنها پیشنهاد و تشویق برای اتخاذ اعمالی در این زمینه است. بدین ترتیب اینکه کشورهای غیر عضو هیچ گونه تعهدی برای همکاری با دیوان ندارند توسط شورای امنیت به روشنی بیان شده است: «با تصدیق بر اینکه کشورهایی که عضو اساسنامه دیوان نیستند هیچ گونه تعهدی که براساس اساسنامه باشند ندارند.» (آکانده، ۲۰۱۳: ۳۴۴).

در ارتباط با سوال دوم باید بررسی کرد که آیا واژه «اصرار و تاکید» شورای امنیت مجوز کافی برای کشورهای غیر عضو جهت نقض تعهدات بین‌المللی آنها محسوب می‌شود؟ ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در صورت وجود تناقض میان تعهدات اعضای ملل متحد و سایر تعهدات آنها طبق هر معاهده بین‌المللی دیگر بیان می‌دارد که تعهدات اعضای به موجب منشور بر سایر تعهدات آنها تفوق دارد. اگرچه این ماده نباید به عبارت «تاکید و اصرار» شورای امنیت برای جایگزین کردن تعهدات اعضای ملل تعبیر شود.

همان طور که بیان شد اصرار شورای امنیت تنها یک توصیه است و هیچ گونه تعهدی برای کشورهای غیر عضو ایجاد نمی‌کند و بنابراین هیچ تعارضی با ماده ۱۰۳ وجود ندارد. توصیه‌های شورای امنیت عموماً در حیطه ماده ۱۰۳ منشور نیست و در نتیجه برتری نسبت به تعهدات حقوقی موجود کشورها ندارند (همان، ۳۴۵).

اگرچه قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت مجوزی برای کشورهای غیر عضو برای نقض مصونیت‌های بین‌المللی اعطا نمی‌کند اما ادعای دیگری مطرح است که به کشورهای غیر عضو اجازه می‌دهد که درخواست جلب و تحویل عمرالبشیر را اجرا کنند. بر اساس این ادعا، کشورهای غیر عضو ممکن است به رفع مصونیت‌ها که در ماده ۲۷ اساسنامه بیان شده، بعد از احراز و اعمال صلاحیت دیوان و دریافت درخواست همکاری



استناد کرده، زمانی که عمرالبشیر وارد قلمرو آن‌ها می‌شود و مصونیت‌های بین‌المللی وی را انکار می‌کنند و وی را دستگیر نمایند.

اما طبق رویه معمول در حقوق بین‌الملل، کشورهای غیر عضو نمی‌توانند به رفع مصونیت طبق اساسنامه دیوان استناد کنند چرا که چنین امری تنها بواسطه معاهده موجود برای اعضا ممکن است. اما در رابطه با موضوع اخیر، ماده ۲۷ اساسنامه رم در اینجا بعنوان یک ماده از معاهده عمل نمی‌کند بلکه این ماده طبق منشور ملل متحد برای سودان اجرا می‌شود. بعلاوه بهترین تفسیر از ماده ۲۷ اساسنامه این است که از مقامات سودانی که طبق رویه معمول و حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار از مصونیت نزد مقامات ملی کشورها دیگر هستند رفع مصونیت می‌شود و از آنجایی که این رفع مصونیت به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت است نه به سبب یک معاهده، تمامی اعضای ملل متحد حق استناد به آن را در رابطه با پرونده عمرالبشیر دارند و دولت سودان بعنوان عضوی از ملل متحد نمی‌تواند ادعا کند آن کشورها دارای مصونیت بین‌المللی هستند چرا که تعهدات خود را در رابطه با سودان نقض کرده اند. دلیل آن هم این است که کشورهای مذکور (کشورهای عضو ملل متحد) تصمیم به اجرای توصیه و پیشنهاد شورای امنیت که همان همکاری کامل با دیوان است گرفته‌اند (زمانی، ۱۳۸۱: ۳۶۹) و بدین ترتیب برای نقض قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در رابطه با مصونیت، در مقابل سودان مسولیت ندارند.

۶- عملکرد اجرایی دیوان در پرونده توماس لوبانگو

دیوان کیفری بین‌المللی در طول مدت فعالیت خود تا به امروز به قضایا و پرونده‌های مختلفی رسیدگی کرده است که فقط یکی از آن‌ها به مرحله صدور حکم رسیده است. این نهاد قضایی دایمی در رای اخیر خود، توماس لوبانگو دایلو، بنیان گذار انجمن وطن پرستان کنگو را به اتهام سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال و استفاده از آن‌ها برای اعمال تروریستی به ۱۴ سال حبس محکوم کرد. آقای لوبانگو، بنیان گذار انجمن وطن پرستان (UPC) کنگو در دسامبر ۲۰۰۰ و فرماندهی ارشد جناح نظامی این انجمن (FPLC) را از سپتامبر ۲۰۰۲ تا اواخر ۲۰۰۳ بر عهده داشت. وی فعالیت‌های (FPLC) و (UPC) را به طور کلی هدایت می‌نمود و از سربازگیری کودکان حمایت می‌کرد. قاضی آدرین فولفورد^{۱۴} (از قضات دیوان کیفری بین‌المللی) نیز ابراز داشته که آقای لوبانگو از کودکان بعنوان محافظان شخصی خود نیز استفاده می‌کرده است.^{۱۵}

جمهوری دموکراتیک کنگو در ۱۱ آوریل سال ۲۰۰۲، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را امضا و قوانین داخلی خود را مطابق تعهدات بین‌المللی اصلاح نمود. دولت کنگو در جولای ۲۰۰۲ وضعیت آشوب در



کشور را به دادگاه کیفری بین‌المللی اطلاع داد و اعلام نمود وقایع ارتكابی در کشور از اول جولای ۲۰۰۲ که اساسنامه دادگاه لازم الاجرا گشته در صلاحیت رسیدگی آن دادگاه قرار دارد.

بعد از تحقیقات مقدماتی، دادستان اقدام به تحقیق در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۴ نمود. در پی این تحقیقات، دادستان تقاضای صدور بازداشت توماس لوبانگو را در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۶ را نمود. در ۱۰ فوریه ۲۰۰۶، هیات مقدماتی رسماً دستور بازداشت او را صادر کرد. در ۱۷ مارس ۲۰۰۳ مراجع قانونی کنگو موفق به دستگیری لوبانگو شدند و او را در زندان کینشاسا^{۱۶} حبس کردند. در ۲۰ مارس ۲۰۰۶ او به زندان دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه منتقل شد و برای اولین بار در محضر دادگاه حاضر شد. در شروع محاکمه، هیات رسیدگی بدوی پس از احراز هویت لوبانگو، اتهامش را تفهیم و وی را از حقوق قانونیش آگاه نمود. دادگاه در طی ۲۰۴ روز رسیدگی، ۲۷۵ تصمیم کتبی و ۳۴۷ تصمیم شفاهی گرفت و ۳۶ شاهد، ۴ کارشناس و ۱۲۹ قربانی را به حضور خود فراخواند. سرانجام شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ نخستین رای خود را در محکومیت آقای لوبانگا به اتهام جنایت جنگی سربازگیری و ثبت نام کودکان زیر پانزده سال برای شرکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه طبق بند ۷ قسمت ۵ پاراگراف ۲ ماده اساسنامه رم از اول سپتامبر ۲۰۰۲ تا ۱۳ اوت ۲۰۰۳ (پاراگراف ۲ رای دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه آقای لوبانگا) و هم چنین طبق بند ۲۶ قسمت ب پاراگراف ۲ ماده ۸ و بند ۳ قسمت الف ماده ۲۵ اساسنامه رم از اوایل سپتامبر ۲۰۰۲ تا ژوئن ۲۰۰۳ صادر کرد (پاراگراف رای دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه آقای لوبانگا).

دیده‌بان حقوق بشر در این باره اعلام کرد که رای دیوان کیفری بین‌المللی نشان دهنده میزان اهمیت این جرم است .

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی خواستار ۳۰ سال حبس برای لوبانگو شده بودند. آن‌ها در پی صدور رای دادگاه تاکید کردند که این حکم پیغامی است برای کسانی که مرتکب جرایم مشابه می‌شوند و باید بفهمند که بدون مجازات نخواهند ماند. دیوان کیفری بین‌المللی در حکم خود مشخص نکرده است که لوبانگا در کجا و چه زندانی مجازات خود را سپری خواهد کرد، چون این دادگاه خود مرکزی برای حبس محکومان ندارند، اما چند کشور مختلف از جمله دانمارک، مالی، اتریش، فنلاند، انگلیس، بلژیک و ... جهت نگهداری و حبس این مجرم آمادگی خود را اعلام کرده‌اند.



نتیجه‌گیری

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و شروع به کار آن در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی، تحول و انقلابی در جهت پایان دادن به بی‌کیفری بین‌المللی و تامین ضمانت اجرا در عرصه بین‌المللی ایجاد کرد. دیوان کیفری بین‌المللی که در واقع نمود عینی از حقوق بین‌الملل است برای رسیدن به اهدافش نیازمند به توافقات مشترک کشورها می‌باشد، به گونه‌ای که کشورها باید با این نهاد کیفری، نهایت همکاری را بنمایند.

همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی تاثیر به‌سزایی در اثر بخش بودن روند قضایی دارد، چرا که اجرای تصمیمات، دستورات و احکام صادره‌ی این مراجع، تنها از عهده مقامات ملی یا سازمان‌های بین‌المللی بر می‌آید. دیوان کیفری بین‌المللی هیچ‌گونه کارگزار اجرای احکام در اختیار ندارد و بدون مداخله مقامات ملی نمی‌تواند به ادله لازم دست یابد، شهود را ملزم به همکاری کند، معاینات محلی را انجام دهد و یا اجرای حکم جلب را اجرا کند و بطور خلاصه ضمانت اجرا در جامعه بین‌المللی تامین کند.

علاوه بر همکاری دولت‌ها، دیوان کیفری بین‌المللی برای تامین ضمانت اجرا و انجام رسالت خود، یعنی اجرای عدالت کیفری ناگزیر از داشتن ارتباط با دیگر نهادهای بین‌المللی است. نقش شورای امنیت به عنوان متولی اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی، در این میان بسیار پررنگ‌تر از دیگر نهادهای بین‌المللی است. ارجاع وضعیت حاوی جنایت در صلاحیت دیوان از سوی شورای امنیت، درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب از دیوان، نقش شورای امنیت در همکاری بین‌المللی دولت‌ها با دیوان از جمله مهم‌ترین جنبه‌های ارتباطی دیوان و شورای امنیت ملل متحد محسوب می‌شوند.

قضاوت در خصوص موجه بودن حق شورای امنیت دایر بر ارجاع وضعیت به دیوان تا حدی دشوار است زیرا نمی‌توان موضوع را صرفاً از زاویه مسائل حقوقی دید؛ بلکه شورای امنیت بعنوان یک رکن سیاسی همواره متأثر از روابط سیاسی است. سیاسی کردن رسیدگی‌های قضایی دیوان مهم‌ترین چالشی که شورای امنیت برای دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد نموده است. برخوردهای این گونه، مشروعیت یک رکن قضایی، که استدلال و بی‌طرفی باید جز جدایی‌ناپذیر آن‌باشد را به مخاطره می‌اندازد.

شورای امنیت اگر از ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی به دور از تاثیر ارتباطات و فشارهای سیاسی استفاده کند می‌تواند نقش موثری در جلوگیری از موارد نقض فاحش حقوق بشر و بهبود ضمانت اجرای کیفری در جامعه بین‌المللی ایفا نماید.

اگر دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد در صحنه بین‌المللی آرا و تصمیماتش را اجرا کند، لازم است که مستقل، بی‌طرف، عادل و موثر باشد. دیوان هرگز نباید تحت تاثیر یا قیمومیت هیچ یک از کشورها و یا



سازمان‌های بین‌المللی حتی شورای امنیت قرار گیرد. البته بدیهی است که یکی از راه‌های حفظ استقلال و بی‌طرفی دیوان عدم وابستگی مالی آن‌ها به یکی از قطب‌های اقتصادی می‌باشد.

دیوان کیفری بین‌المللی با وجود محاسن و تحولاتی که در زمینه ضمانت اجرا در جامعه بین‌المللی بوجود آورده، دارای معایبی نیز می‌باشد که بر روند اجرایی شدن تصمیماتش تاثیر سوئی گذاشته است. امکان سواستفاده ابزاری شورای امنیت، از ماهیت و تاثیرگذاری این دیوان؛ نداشتن بازوی اجرایی مستقل و اتکا به همکاری دول، به علاوه، فقدان ضمانت اجرای کافی در خصوص عدم همکاری دولت‌ها در اجرای تصمیمات دیوان، از اصلی‌ترین معایب و ضعف‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود. اما نکته اساسی توجه به این مسئله است که در مجموع دیوان کیفری بین‌المللی علی‌رغم تمام انتقادات و ایرادهای وارده، تحولی مثبت در عرصه حقوقی و تعاملات بین‌المللی در جهت مقابله با بزهکاری و تامین ضمانت اجرا می‌باشد.

علاوه بر این صدور نخستین رای از دیوان کیفری بین‌المللی و طی آن محکومیت توماس لوبانگو به ۱۴ سال حبس، چشم انداز روشنی از اجرایی شدن تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد. چنین کوششی از سوی دیوان می‌تواند نوید بخش آینده‌ای روشن برای بهبود ضمانت اجرا در دیوان و در جامعه بین‌المللی قلمداد گردد.

پی نوشت:

- ۱- دولتی که موافقت خود را بصورت مشروط اعلام می‌کند، براساس قابلیت اعمال قوانین داخلی خود در رابطه با عفو، آزادی مشروط و تخفیف مجازات احتیاطی به موافقت دیوان در انجام این اقدامات نیاز ندارد.
- ۲- بند ۳ ماده ۱۱۰: «در صورتی که محکوم علیه دو سوم دوره محکومیت خود را تحمل کند و یا در صورت محکومیت به حبس ابد، ۲۵ سال در زندان باشد، دیوان مجازات وی را مجدداً بررسی می‌نماید تا در صورت امکان از میزان آن بکاهد. دیوان نمی‌تواند قبل از انقضای این مدت به بررسی مجدد بپردازد.»

3- Widest possible measure of assistance

4-A article 1 of the UN Model Treaty on mutual Assistance in criminal matters, UN.Doc.A/CONF 144/28/Rev.1. p77.

5- in according whit the provisions of this ststue

6- specific duties

- ۷- تاکید بر عدم الزام دولت‌ها در اجرای «مجازات کیفری» بدین دلیل است که دولت‌ها در اجرای مجازات‌ها نقدی تعیین شده توسط دیوان، دارای تعهد می‌باشند. براساس ماده ۱۰۹ اساسنامه دیوان، «دولت‌های عضو، مجازات جرمه و مصادره اموالی را که دیوان به موجب فصل ۷ مقرر می‌نماید اجرا خواهد کرد.»



8-enforcement unit

9- Model agreement on the Enforcement of the sentence(MAES)

10- Sudan Tribune, 11 sep 2008, Available at: <http://www.sudantribune.Com/spip.php?article28590>

- ۱۱- معاون دوم ریس جمهور، علی عثمان طه بیان می کند که قرار جلب صادره هیچ گونه اساس حقوقی ندارد چرا که عمرالبشیر طبق رای قرار جلب دیوان بین المللی دادگستری و رویه دادگاههای اروپایی و آمریکایی بعنوان ریس جمهور سودان دارای مصونیت است. (*Ibid*)
- ۱۲- شورای امنیت می تواند طبق مواد ۳۹-۴۱ منشور جهت تضمین همکاری (با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی)، اقداماتی را اتخاذ کند که این اقدامات شامل تحریم ها یا کاربرد نیروهای نظامی می باشد.
- ۱۳- بند ۱ ماده ۸۷ اساسنامه رم: «دیوان می تواند درخواستی را برای دستگیری و تحویل فرد متهم برای هر دولتی که شخص ممکن است در سرزمین آن یافت شود ارسال و همکاری آن دولت را در مورد دستگیری و تحویل وی به دیوان درخواست نماید، دولت های عضو باید براساس مقررات این فصل و رویه حقوقی ملی خود، به درخواست های دستگیری و تحویل ترتیب اثر دهند.

14-Adrian Fulford (presiding judge)

15-Visited at <http://www.lubangatrial.org/2012/03/14/lubanga-guilty-of-child-soldiers>

16- Penitentiary Kinshasa



فهرست منابع

الف: کتب

- _____؛ حقوق کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۹۰.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق بین‌المللی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- آل حبیب، اسحاق، دیوان بین‌المللی کیفری و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- توحیدی فرد، محمد، ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۱.
- دلخوش، علیرضا، مقابله با جرایم بین‌المللی، تعهد دولت‌ها به همکاری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۰.
- دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، پاییز ۱۳۸۴.
- رضوی فرد، بهزاد، حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
- شریعت باقری، محمد جواد، اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، دادگستری، تهران، ۱۳۸۸.
- طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- عنایت، سیدحسن، قابلیت پذیرش دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به کوشش اسحاق آل حبیب، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- مظاهری، امیر مسعود، اصل صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌الملل کیفری و اعمال آن در موارد ناتوانی و عدم تمایل دولت، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۱.
- میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۳.
- واحدی، قدرت الله، حقوق بین‌الملل کیفری، جنگل، جاودانه، تهران، ۱۳۸۹.

ب: مقالات و نشریات

- _____؛ دیوان کیفری بین‌المللی و دولت‌های غیر عضو: قرار جلب عمرالبشیر، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، گردآوری و تنظیم: رضا موسی زاده و اکبر امینیان، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
- _____؛ دیوان کیفری بین‌المللی: ناکامی و کامیابی‌ها، حقوق بین‌الملل (گزیده‌ی مقالات ۱) چاپ نخست، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۳.



- _____؛ قضیه دارفور از منظر حقوق بشر دوستانه، فصلنامه مطالعات افریقا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
- اردبیلی، محمد علی، همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵، بهار و تابستان ۸۶.
- ارسنجانی، ماه‌نوش، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به کوشش اسحاق آل‌حبیب، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- امامیان، معصومه، عزیزی، ستار، چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولت‌ها نزد دیوان کیفری بین‌المللی: با تأکید بر پرونده عمرالبشیر، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸.
- آقای جنت‌مکان، حسین، احتمال تعلیق وضعیت سودان از سوی شورای امنیت، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۸.
- آکانندی، داکا پو، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اتباع دولت‌های غیر عضو: مبانی حقوقی و محدودیت‌ها، ترجمه حسین آقای جنت‌مکان، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- براتی، شهرام، صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوق و سیاست، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- بیگ‌زاده، ابراهیم، سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی، تئوری و عمل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ویژه.
- پاکدامن، رضا، بررسی ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی، مجموعه مقالات دیوان کیفری و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام اسحاق آل‌حبیب، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.
- پورجیا، انلا، «روابط دیوان بین‌المللی کیفری و سازمان ملل متحد» ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
- تقی‌زاده، زکیه، هداوندی، فاطمه، مقابله با بحران سربازگیری در مخاصمات مسلحانه: نخستین رای دیوان کیفری بین‌المللی در ترازوی حقوق بین‌الملل، مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی-ترویجی)، شماره ۲۲، نیمسال دوم ۱۳۹۱.
- خوش‌اندام، بهرام، نتیجه‌گیری نهایی، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، گردآوری و تنظیم: رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
- دلخوش، علیرضا، تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی (مقررات عمومی)، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۳، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۰.
- دیهیم، علیرضا، همکاری و معاضدت قضایی بین‌المللی، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی. گردآوری و تنظیم: رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.



- رضوی فرد، بهزاد، دورنمای کیفرهای بین‌المللی در تعامل میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی، مجموعه مقالات تاره‌های علوم جنایی، زیر نظر نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، چاپ نخست بهار ۱۳۸۸.
- زمانی، قاسم، استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیم‌ها و امیدها، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۲، نیمسال دوم ۱۳۸۱.
- صالحی، جواد، چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۷، ۱۳۹۶.
- فروغی، دکتر فضل‌اله، منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دور اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۸.
- کارستن، استان، «معافیت نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیر عضو اساسنامه ICC از صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی - ابهامات قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت»، ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- کریر، رابرت و نیجل دی، وایت، شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه فرید محسنی و علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳۵ و ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- لوک والین، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حمایت تا حق بیان» ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.
- میر محمد صادقی، حسین، عابد، رسول، صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرایم علیه اجرای عدالت کیفری با مطالعه موردی پرونده توماس لوبانگو، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۱.
- میرزایی ینگجه، سعید، رابطه بین سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، به اهتمام اسحق آل حبیب. تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.

منابع لاتین:

- _____؛ "Obtaining cooperation from Sudan: Where is the law?" *journal of the international criminal justice*. 6, 2008
- A article 1 of the UN Model Treaty on mutual Assistance in criminal matters, UN.Doc.A/CONF.144/28/Rev.1
- Akande ,Dapo," The Legal Nature of Security Council Referrals to the ICC and its Impact on Al Bashir's Immunities" Downloaded from <http://jicj.oxfordjournals.org/> by guest on May 2, 2013.



- Berman, Franklin, “The Relationship Between the International Criminal Court and the security council” in the ,VonHebbl, Lammers, Schukking (Ed).
- Kleffner, Jean K., “The Impact of Complementarity on National Implementation of Substantive International Criminal Law”, *Journal of International Criminal Justice*, 1 و 2003.
- *Prosecuterv.blaskic, case No. IT -95-14-AR108 bis ,jadgment the request of the Republic of Croatia for review of the Decision of Trial chamber II of 18Jaly, 29 oct .1997.*
- Prost, Kimberly, “cooperation with the Icc arrest and surrender” and arrest forfeiture, available at WWW.vlex.com.
- R Rosin Mulgerw, “on the enforcement of sentences imposed by internaonal court” page 35, *Oxford university press*, 2009.
- *Situation In Darfur, Sudan In The case Of The prosecuter V Omar Hasan Ahmad Albashir (“Omar Al Bashir”), Icc-02105-01-/09-5-06-03-2009 1/6 CBPT, Available at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc639078> . Pdf: available at: <http://www.icc-cpi.Int/Library/case Icc 2-05-157nxA-E NG.pdf>*
- Sluiter, Goran, “to cooperate or not to cooperate?” *LjIL* 1998.
- Suy.E, “ *International Criminal Court* “, *MartinusNijihoff Publishers*, 1999.
- Williams, Sarah and Sherif, Lena, “The Arrest Warrant for Presidantal al-Bashir: Immunities of Incumbent Head of states And The International Criminal Court”, *Journal of conflict And Security Law*, 14 (2009).
- Yee, Lionel. “The international criminal court and the Security Council: Article 13 (b) and 16. In the S, Lee. Roy.” *the international criminal court” the making of the rome statute Issue. Negotiations, Result. The Hague, Publised by KLUWER Law*, 1999